

### تحلیل روایت در کلام محقق خراسانی و نقد آن

محقق خراسانی، افزون بر رد روایت به دلیل ضعف سند، احتمال اختصاص آن را به مقام حکومت و قضا می‌دهد؛ چرا که مورد روایت مخصوص این مقام است (لقوة احتمال اختصاص الترجیح بها بمورد الحكومة لرفع المنازعة و فصل الخصومة كما هو موردهما).<sup>1</sup>

ایشان همان رفتاری را با این روایت دارد که با مقبولة ابن حنظله داشت؛ با این تفاوت که در این روایت، نهاد تخییر ذکر شده و احتمال اختصاص آن به عصر حضور ناموجه می‌نماید. آن چه در نقد سخن پیشین محقق خراسانی ایراد گردید، بر کلام وی در این مجال هم وارد است؛ ضمنا معلوم نیست به چه بیان مورد این روایت را مخصوص باب حکومت دانسته است؟! با این که هیچ نشانی از این اختصاص در روایت - مطابق نقل موجود - نیست.

### مقارنه این روایت با روایت ابن حنظله

نقطه اشتراک این دو روایت، ذکر برخی مرجحات در آنها و لزوم توجه به این مرجحات در تقدیم و تاخیر است؛ به تعبیر دیگر: هر دو روایت، از روایات دال بر لزوم ترجیح است لکن در تعداد مرجحات، نوع مرجحات و ترتیب آنها اختلاف دارند، به این ترتیب:

- در روایت زراره موافقت و مخالفت با کتاب و سنت ذکر نشده است، بر خلاف معتبره ابن حنظله.
- در روایت زراره میل بیشتر حاکمان و قضات عامه معیار قرار نگرفته است، برخلاف معتبره.
- در روایت زراره موافقت با احتیاط سنجه ترجیح قرار گرفته است برخلاف معتبره.
- در روایت زراره نهاد تخییر مطرح گردیده و در معتبره لقای امام علیه السلام.

ترتیب بین صفات راوی و شهرت در دو روایت جابجا شده است.

تفاوت‌های جزئی‌تر دیگر نیز در دو روایت قابل مشاهده است که تاثیر چندانی در برابری بحث ندارد.

### روایت سوم

موثقه داود بن الحصین است از امام صادق علیه السلام با این متن:

- «فی رجلین اتفقا علی عدلین جعلاهما بینهما فی حکمٍ وقع بینهما فیه خلاف، فرضیا بالعدلین فاختلف العدلان بینهما عن قول ایهما یمضی الحکم؟ قال: ینظر الی افقهما و اعلمهما باحادیثنا و اورعهما فینفذ حکمه و لایلتفت الی الآخر».<sup>2</sup>

1. کفایة الاصول، ج 2، ص 392.

2. وسائل الشیعة، ج 27، صفات القاضی، باب 9، ص 113، ح 20. همچنین رک: همان، ص 123، حدیث 45 (روایت موسی بن اکیل).

## تحلیل محتوایی روایت

همسویی این روایت با روایت ابن حنظله روشن است و عدم ذکر بقیه سنجه‌ها در روایت، دلیل بر عدم اعتنا به آن سنجه‌ها نیست. شبهه اختصاص محتوایی این روایت به باب قضا نیز منتفی است؛ هر چند اختصاص لفظی آن را به باب قضا نمی‌توان نادیده گرفت.

## روایات گروه چهارم

متعدد روایاتی است که در وقت اختلاف روایات موافقت با اخبار عامه (یا موافقت با عامه) را معیار مرجوحیت و مخالفت با اخبار ایشان (یا خود ایشان)<sup>3</sup> را سنجه ترجیح قرار می‌دهد.

این روایت هر چند - علی ما تفحصنا - از سند معتبری برخوردار نیست، لکن به دلیل تعدد و وجود همسویی با روایات دال بر معیار بودن مخالفت یا موافقت با عامه به طور مطلق<sup>4</sup> در ترجیح و تأخیر، قابل عبور و اعراض نیست.

برخی از این روایات به قرار ذیل است:

- «عن الحسين بن السريّ قال: قال ابو عبدالله عليه السلام : اذا ورد عليك حديثان مختلفان فخذوا بما خالف القوم».<sup>5</sup>
- «...فقلت : فيروى عن ابي عبدالله عليه السلام شيء و يروى عنه خلافه فبايهما نأخذ؟ فقال : خذ بما خالف القوم و ما وافق القوم فاجتنبه».<sup>6</sup>
- «...فانظروا الى ما يخالف منهما العامة فخذوه و انظروا الى ما يوافق اخبارهم فدعوه».<sup>7</sup>

3. البته ظاهراً عنایتی در تعبیر به «وافق اخبارهم» یا «وافق القوم» و تفاوت این دو نیست؛ از این رو در برخی روایات «ما خالف منهما العامة» در مقابل «ما يوافق اخبارهم» آمده است. (وسائل (به وصف سابق)، ص 119، ح 34). لکن موافقت یا مخالفت با اخبار عامه با موافقت یا مخالفت با عامه یا با فقهای عامه، یکی نیست؛ از این رو در اخذ به این سنجه باید به قراری از روایات. در صورت امکان رسید. تفصیل بیشتر در مجالات آتی به منصفه ظهور می‌رسد.

4. به این روایات رسیدگی خواهیم کرد.

5. همان، ص 118، حدیث 30.

6. همان، حدیث 31.

7. همان، ص 119، حدیث 34.